

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۴

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال هجدهم، شماره ۷۲، تابستان ۱۴۰۱

واکاوی اندیشه های عرفانی عطار نیشابوری

جعفر هواسی^۱

سید احمد حسینی کازرونی*^۲

فرزانه یوسف قنبری^۳

چکیده

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری (۶۱۸-۵۴۰ ه.ق) آفریننده ی مثنوی های بزرگ عرفانی است. منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرار نامه عالی ترین آثار عطار نیشابوری هستند که اندیشه های عرفانی را با زبان رمز در خود جای داده اند. این مقاله با عنوان «بررسی اندیشه های عرفانی عطار نیشابوری» جهت وصول به اهداف به تبیین اقوال و آرای عطار نیشابوری در باب مسائل گوناگون عرفانی پرداخته است. وجود تناقض ها و پارادوکس های گوناگون، اندیشه ی عرفانی «موتوا قبل ان تموتوا»، داستان عرفانی شیخ صنعان، بحث توبه، تشبیه و تنزیه ذات اقدس الهی، وحدت وجود همه مباحث عرفانی نابی هستند که در آثار عطار مخصوصاً در چهار اثر ذکر شده به خوبی دیده می شوند. کوشش شده است با ذکر نمونه ها و شواهد شعری و ذکر ابیات و توضیح آن ها بحثی جامع به شیوه ی توصیفی و تحلیلی از این اندیشه ها و مباحث عرفانی ارائه شود.

واژگان کلیدی:

عطار، اندیشه عرفانی، وحدت وجود، توبه، تشبیه و تنزیه و تناقض.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران.

^۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران. *نویسنده مسئول:

sahkazerooni@yahoo.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران.

پیشگفتار

عطار نیشابوری یکی از مردان بزرگ ادبی و عرفانی سرزمین ماست. او شایستگی لقب انسان کامل را داراست. روح او منبعی از دانش و حکمت و عرفان بوده است. تذکره نویسان در باب آثار عطار حدود ۷۰ کتاب منظوم را از او نوشته اند که اکثر آنها من جمله اشترنامه، بلبل نامه، بی سرنامه، حیدری نامه، جواهر الذات، مفتاح الفتوح، لسان الغیب، مظهر العجایب، که عموماً در رکاکت و سستی الفاظ و معانی مشهورند محققاً از شیخ عطار نیشابوری نیست! عطار نیشابوری شاعر عارفی است که بعد از سنایی (متوفی ۵۳۵ ه.ق) می زیسته و راهی را که او در سرودن اشعار عرفانی گشوده بود ادامه داده است. از میان شاعران عارف سه تن در کمال اعتبار و شهرت قرار دارند: سنایی، عطار و مولوی (متوفی ۶۷۲ ه.ق).

طبق پژوهشی که شفیع کدکنی در صفحه ی ۳۵ کتاب منطق الطیر انجام داده اند به جز چهار مثنوی (منطق الطیر، الهی نامه، اسرارنامه و مصیبت نامه) و مختار نامه که شامل حدود ۲۳۰۰ رباعی است و دیوان شعر بقیه ی آثار منسوب به عطار از او نیست.

اندیشه های عرفانی عطار نیشابوری در شکل دهی به عرفان اسلامی-ایرانی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. کتاب منطق الطیر او یکی از برجسته ترین آثار عرفانی در ادبیات جهانی است و شاید بعد از مثنوی مولوی، هیچ اثری در ادبیات منظوم عرفانی در جهان اسلام با این منظومه برابری نکند. عطار در این حماسه وجود تعالی را که بشر جستجو می کند، عاقبت درون خود می یابد.

در مصیبت نامه عطار به بیان محوری ترین موضوع عرفانی که همان آشفته گی و بی قراری فکری و سپس رهایی از آن از طریق سیر و سلوک عارفانه است می پردازد.

«فروزانفر طرح مصیبت نامه را در میان مثنوی های زبان فارسی تازه و نو آیین می داند و بر آن است که از ادبای پیشین و پسین فارسی مثنوی ای بدین سبک و طرح نسروده اند.» (فروزانفر، ۱۳۸۹: ۳۰۶).

مثنوی مصیبت نامه در چهل مقاله با ترکیبی منسجم و مستحکم با موضوعات دینی و عرفانی و فلسفی سروده شده است.

پورنامداریان «در سه کتاب مصیبت نامه و الهی نامه و منطق الطیر ردپای رسالات فلسفی-عرفانی حی بن یقظان و رساله الطیر و سلامان و ابسال را می بیند.» (همان، ۱۳۷۵: ۱۶۳).

کتاب الهی نامه داستان خلیفه ای است که شش پسر دارد و از هر کدام راجع به تمایلات قلبی شان سوال می کند. پسر اول در آرزو و عشق به دختر شاه پریان، پسر دوم در آرزوی مهارت در هنر جادو، پسر سوم در آرزوی جام جم، پسر چهارم در آرزوی آب حیات، پسر پنجم در آرزوی حلقه اجنه و انگشتری سلیمان پسر ششم در آرزوی دانش کیمیاگری. پادشاه به هر یک از پسران خود توضیح می دهد که این آرزوها از نظر جاودانگی پوچ و بی ارزش است.

«امروز تقریباً بسیاری از اهل تحقیق این نظریه را پذیرفته اند که الهی نامه ی موجود به نام عطار همان خسرو نامه ی اوست و خسرو نامه ای که به نام او چاپ شده از شاعر دیگری است.» (فروزانفر ، ۱۳۵۳ : ۳۱۳)

کتاب «اسرار نامه» حاوی ۲۲ مقاله است که بدون نظم در کنار هم قرار گرفته اند. در این کتاب بعد از توحید و نعت و مناقب ، مبانی عرفانی توضیح داده شده است.

«شعر عطار گرچه چون شعر سنایی آکنده از حکمت و تعلیم است شور و عمق آن نیز قابل توجه است و تعلیم و موعظه در آثار او یکنواخت و ملال آور نیست . یکی از خصایص عمده ی شعر عطار آن است که از آوردن داستانها و الفاظ مستهجن خودداری کرده است. سبک بیان عطار ساده و طبیعی است و از الفاظ نامانوس کمتر نشانی در آن دیده می شود.» (صنعتی نیا ، ۱۳۶۹ : ۱۲-۸).

عطار در چهار مثنوی عرفانی اش (منطق الطیر ، مصیبت نامه ، الهی نامه و اسرار نامه) در قالب حکایات و تمثیل های گوناگون از گروه ها و قشر های مختلفی انتقاد می کند که مهمترین آنها عبارتند از : صاحبان جاه و مقام ، شیفتگان زر و ثروت ، دنیا دوستان ، صوفیان ظاهر نما ، ریاکاران و مدعیان عشق . «او تا آن جا که حیطة ی شعر مجالش می دهد قشر ها و طبقات گوناگون جامعه را با عادات و آداب ، سنت ها ، آرا و اندیشه ها ، گفتار و رفتار و خلاصه آنچه مربوط به تربیت عمومی عصر است ، توصیف کرده و در ضمن این توصیف ها ، گه گاه ، اشاراتی به نام ها و حوادث تاریخی نموده است و البته آنچه آثار ادبی را از تاریخ های نگاشته ممتاز می کند، همین ثبت و ضبط لحظه لحظه ی زندگی مردمان به زبان حال است.» (صارمی، ۱۳۷۳ : ۲۹-۲۰).

هنر عمده ی عطار این است که شعر را از دنیای پست درباری بیرون آورد و به میان مردم عامی برد و این کار سر آغاز تحولی بزرگ در ادب فارسی بود.

بیان مسأله

عطار نیشابوری برای بازگو کردن معانی عرفانی از رمز و سمبل استفاده کرده است. در کلام نمادین و رمزی عطار که برای بیان مفاهیم عرفانی به کار گرفته شده است دشواری و پیچیدگی وجود ندارد. بیان حکمت آمیز و همراه با شور او، یکنواخت و خسته کننده نیست.

وجود مضامین و مفاهیم گوناگون عرفانی در شعر عطار با بیانی ساده و بدون آرایش که سبک مخصوص خود اوست برای خواننده‌ی امروزی گوارا و شیرین است. وجود تناقض‌ها و پارادوکس‌های گوناگون در بیان عارفان مخصوصاً عطار، اندیشه‌ی عرفانی «موتوا قبل ان تموتوا»، داستان شیخ صنعان در منطق الطیر، بحث توبه، تشبیه و تنزیه ذات اقدس الهی، وحدت وجود و ... می‌تواند برای پژوهشگر امروزی مجموعه‌هایی قابل بررسی باشد. «تناقض مندی و رمزگویی زبان عرفانی به ایجاد آرایه‌هایی در سطح زبان منجر می‌شوند. فولادی در زبان عرفان با تکیه بر همین دو ویژگی زبان عرفانی به شناسایی آرایه‌های ادبی حاصل از این ویژگی‌های تجربی عرفانی در زبان می‌پردازد و معتقد است که در سطح تناقض زبان عرفان می‌توان به پارادوکس، حس آمیزی، شطح و ... اشاره کرد و در سطح محاکاتی یا رمزگونه‌ی زبان عرفانی آرایه‌هایی مانند تشبیه، استعاره، تمثیل و رمز وجود دارند.» (فولادی، ۱۳۷۸: ۲۳۱-۴۹۷)

از ابتدای تاریخ بشریت همواره مسأله‌ی وحدت وجود دغدغه و آرمان انسان‌ها بوده است، انسان‌ها همواره تلاش خود را معطوف به این نکته کرده‌اند که در میان کثرت‌ها در پی رسیدن به وحدت باشند. در دوره‌ی اسلامی اندیشه‌ی وحدت وجود یکی از اندیشه‌های عرفانی-اسلامی بوده است. اندیشه‌ی عرفانی وحدت وجود در شعر عطار نیشابوری نمود و جلوه‌ی خاصی دارد. عطار نیشابوری از پیشروان وحدت وجود بوده که از طریق ذوق و عرفان به این بحث پرداخته است. «عطار در آثار خود، با تبیین عقاید عرفانی خود، به تعلیم مردم به یگانگی و وحدت و پرهیز از تعصب و خشکی سعی بسیاری نمود. مهمترین موضوعی که در سخنان عطار مطرح شده، موضوع خدا، انسان و جهان است. یعنی جهان آفرینش که ارتباط آن با خدا فقط ارتباط خالق و مخلوق است» (دهلوی، ۱۳۷۷: ۲۹۹-۲۹۸).

از دیگر مباحثی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است بحث توبه در آثار عطار است. شروع زندگی اکثر مشایخ با توبه بوده است. اینکه عطار در این چهار اثر خود در کجا و چگونه به بحث توبه پرداخته است می‌توان به اندیشه و فکر عطار در این مورد رسید. یکی از بحث‌های قابل توجه در آثار عطار بحث تشبیه و تنزیه صفات و افعال خداوند است.

ماجرای کشمکش بین تشبیه و تنزیه ذات و صفات و افعال خداوند را می‌توان یکی از قدیمی‌ترین مناقشه‌های ادیان دانست. عطار بر خلاف اشاعره، ذات و صفات خداوند را از هم جدا نمی‌داند. وی پای عقل و خرد را در شناخت ذات خداوند شکسته دانسته است.

تنوع و گستردگی موضوع و مضمون و نوآوری در شیوه‌ی بیان از ویژگی‌های عرفانی عطار است. موضوعات و مضامین گفته شده در بالا با تنوع زبانی و واژگانی تا چه حدی می‌تواند به درک خواننده امروزی برای فهم این مضامین کمک کند؟

پیشینه تحقیق

مثنوی های رمزی منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرار نامه ی عطار همواره مورد توجه و اقبال محققان قرار گرفته است. عطار شاعر سفر های روحانی است. افکار بلند عرفانی او در قالب نظم و نثر در اختیار همگان قرار گرفته است.

اکبر آبادی محسن (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان تحلیل کیفیت عرفانی در منظومه های عطار به بحث در مورد کیفیت تعلیمی و آگاهانه عطار و جنبه ی تمثیلی و متناقض گونه ی عطار در معنای رمزی عرفان پرداخته است.

قوام پور بدریه و سالور پریسا (۱۳۹۴) در مقاله ای تحلیلی که از رمزهای مثنوی مصیبت نامه ی عطار ارائه داده اند مسیر سلوک در عالم مثال و همچنین موانعی که بر سر راه سالک برای رسیدن به حقیقت وجود دارد را بررسی کرده اند.

حیدری حسین و برزکی بتول (۱۳۹۳) در مقاله ای به بحث در مورد تشبیه و تنزیه ذات خداوند پرداخته اند و موضوع ذکر شده را در سه اثر عطار یعنی الهی نامه ، مصیبت نامه و منطق الطیر بررسی کرده اند.

مایر فریتس (۱۳۸۰) در باب طرح کلی مصیبت نامه به این نکته اشاره دارد که مصیبت نامه در ادامه ی منطق الطیر سروده شده است. او معتقد است سالک باید چهل مرحله را که مطابق با چهل روز اعتکاف است طی کند.

زرین کوب عبدالحسین (۱۳۷۸) در کتاب «صدای بال سیمرغ» که در مورد زندگی و اندیشه ی عطار نیشابوری نوشته است به بحث در مورد کتاب منطق الطیر یا مقامات الطیور پرداخته و به توصیف وحدت وجود و شرح و توضیح آن پرداخته و حرکت سی مرغ برای دیدار با سیمرغ در کوه قاف را شرح داده است.

پور نامداریان تقی (۱۳۷۵) در کتاب «دیدار با سیمرغ» مجموعه ای از مقالات را درباره ی مباحث عرفانی عطار ذکر کرده است. بحث هایی که پورنامداریان در این کتاب به آنها پرداخته است یکی تفسیری عرفانی از شیخ صنعان و همچنین درباره ی رساله های عرفانی ابن سینا و ... است. اما در پژوهشی که ارائه داده شده است بررسی اندیشه های عرفانی عطار نیشابوری در چهار اثر مورد مذاقه قرار گرفته است.

سؤالات تحقیق

۱- اندیشه های عرفانی عطار در چهار اثر مصیبت نامه ، منطق الطیر ، الهی نامه و اسرار نامه بیشتر شامل چه مباحث اصلی است؟

۲- منظور و هدف عطار از بیان مباحث عرفانی، وحدت وجود، توبه، تناقض و پارادوکس های گفتاری تشبیه و تنزیه، موتوا قبل ان تموتوا و داستان شیخ صنعان چیست؟

روش تحقیق

در پژوهش حاضر برای دستیابی بهتر به اطلاعات کوشش بر این بوده است که از روش اسنادی استفاده شود. در این روش پژوهشگر با مراجعه به منابع و مآخذ نوشتاری و کتابخانه ای اعم از کتاب، مقاله، اطلاعات، داده های مورد نیاز را جمع آوری می کند.

در مورد معنای لغوی عرفان تعاریف بسیاری گفته شده است و هر نویسنده ای برداشت خود را در مورد معنای عرفان به دست داده است.

در فرهنگ مُعین (ص ۷۳۱) لغت عرفان به معنی شناختن و دانستن بعد از نادانی معنی شده است. طبق تعریف این فرهنگ فارسی اهل عرفان دانشمندان و حکمایی هستند که کار آنها معرفت حق تعالی است.

«عرفان نام علمی است از علوم الهی که موضوع آن شناخت حق و اسماء و صفات اوست. راه و روشی که اهل الله برای شناسایی حق انتخاب کرده اند عرفان می نامند. عرفان و شناسایی حق به دو طریق میسر است؛ یکی به طریق استدلال از اثر به موثر و از فعل به صفت و از صفات به ذات و این مخصوص علماست، دوم طریق تصفیه ی باطن و تخلیه ی سرّ از غیر و تخلیه ی روح و آن طریق معرفت، خاصه ی انبیا و اولیا و عرفاست.» (حسینی کازرونی، ۱۳۸۶: ۴۲)

چیستی عرفان را می توان از جهات گوناگون بررسی کرد. تعریف عرفان در قالب یک مفهوم بنا به گستردگی آن امری دشوار و شاید غیر ممکن است. بسته به نوع و نگرش زبان شناسی، معرفت شناسی و ... می توان تعاریف گوناگونی از عرفان ارائه کرد.

عرفان دارای دو تعریف عام و خاص است. آگاهی و شناخت از راز و رمزهای یک چیز را عرفان عام و پی بردن به حقیقت اشیا و موجودات از طریق شهود باطنی را عرفان خاص می گویند. «ابوتراب نخشی گوید: عارف کسی است که از وجود مجازی خویش محو و فانی گشته باشد.» (لغت نامه دهخدا: ۵۰).

تصوف یا عرفان در نزد مسلمین عبارت است از طریقه ی مخلوطی از فلسفه و مذهب که به عقیده ی پیروان آن راه رسیدن به خداوند فقط منحصر به آن است، و این راه رسیدن به خدا بستگی به وجد و حال و ذوقی دارد که انسان را به خدا نزدیکتر می کند. در باب پیدایش تصوف و عرفان از گذشته های دور اختلاف نظر های مختلفی وجود داشته است. عده ای تصوف و عرفان را متأثر از افکار بودایی و یا هندی می دانند.

عده ای هم آن را ناشی از افکار فلسفی می دانند. عده ای بر این عقیده پافشاری می کنند که تصوف و عرفان در ممالک اسلامی پیدا شده است. اما صوفیه خود در باب پیدایش تصوف و عرفان نظر دیگری دارند آنها معتقدند که تصوف باطنی قرآن و سخنان پیامبر اکرم (ص) از طریق کشف و شهود باطنی و تزکیه ی نفس اولیاء الله است. عاملی دیگر که نظریه ی فوق را تقویت می کند این است که صوفیه ی ایران مخصوصاً با فلسفه مخالفت جدی ورزیده و پای استدلال و عقل را چو بین شمرده اند. اما پیدایش تصوف و عرفان را مربوط به سده سوم هجری می دانند که در سده ی چهارم بر پختگی و کمال آن افزوده شده است. در این دوره تصوف و عرفان شکلی ثابت پیدا کرد و مبانی و اصول و آداب و رسوم آن معلوم و مشخص شد. در سده های بعدی، تصوف و عرفان به وسیله ی عارفان برجسته ای همانند محمد غزالی، عین القضاة همدانی، سنایی غزنوی، عطار نیشابوری، ابن عربی، مولوی و عراقی جنبه ی فلسفی یافت. تاکید بر حماسی بودن عرفان و خلق آثاری در این رابطه جایگاهی ویژه در بین شاعران و نویسندگان گرفت.

«یکی از جلوه های عرفان در ادب فارسی، حماسی بودن آن است. قهرمان حماسه، پهلوانی است که در آرزوی جاودانگی است. او قدم در راهی پرخون می نهد، تا با پیوستن به خدای جاودانه، خود را از طریق فنای فی الله جاودانه سازد، دشمن او دیو یا اژدهایی است به نام نفس که مسلح به تعلقات دنیوی است، میان آنان جنگی در می گیرد، در این جنگ، سخن از نعره های خونین «لا»، «دریای توحید»، «چاه تن» و سایر امور و اشیای حماسی است.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۰۸)

سده ششم هجری که شیخ عطار نیشابوری در آن می زیسته است به کثرت عارفان و مشایخ در تاریخ ادبیات ایران اهمیتی بسزا دارد. روح ایرانی از گذشته های دور، استعدادی شگرف و عالی در تصوف و عرفان داشته است. عطار نیشابوری از بزرگان عرفا و شاعران متصوف ایران است. عطار در شریعت و طریقت بی همتا و در سوز و گداز عاشقانه عرفانی سرآمد زمانه خود بوده است. او از محضر اساتید و بزرگان دوران خود بهره ها گرفته است و به خدمت عارفان و مشایخ بسیاری رسیده است. شیخ عطار نیشابوری به دلیل عشق و علاقه ای که به مشایخ زمان خود داشته هر جا نشانی از بزرگان عارف را می یافته است به ملاقات آنان می شتافته است. اکثر آثار عطار مهمترین مرجع برای شناخت روحیات، اندیشه ها و حالات عرفانی اوست.

«منطق الطیر عطار یکی از برجسته ترین آثار عرفانی در ادبیات جهان است. این کتاب توصیفی است از سفر مرغان به سوی «سیمرغ» و دشواری های راه ایشان و بیان لطیف ترین رابطه ی حق و خلق. اسرارنامه عطار نیز منظومه ای است مشتمل بر حکایات کوتاه عرفانی. مصیبت نامه یکی از برجسته ترین آثار عطار و شاید پس از منطق الطیر مهمترین منظومه ی او باشد و الهی نامه داستان شش پسر با پدر پادشاه خود و آرزوهای آنها که سرانجامشان پوچی و بی ارزشی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۷۱ مقدمه).

عطار نیشابوری خط سیر اندیشه های عرفانی را در عرفان و ادب فارسی بر مبنای سفرهای روحانی در عالم جان تبیین می کند، این کار او در واقع دنباله ی کار سنایی غزنوی است که قبل از عطار به این کار پرداخته است.

«شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در شعر و ادب فارسی نماینده ی سنتی است که خود بنیانگذار آن است و آموزه های خود را به دو شیوه مطرح می کند: ۱- به صورت وقایع تاریخی مبتنی بر حوادث تاریخی ۲- به صورت تجربه زنده و نمادین با استفاده از فضای خیالی به دور از الفاظ و اصطلاحات ظاهری.» (نزهت، ۱۳۹۱: ۱۳۶ مقدمه).

اتحاد و حلول عرفانی یکی از مباحث عرفان نظری عطار نیشابوری است. «عطار در اسرارنامه در هشت بیت به طور موجز و مختصر تعریفی جامع از اتحاد عرفانی به دست می دهد و آن معنی را که حلاجیون از این اصطلاح اراده کرده نفی می نماید و بین حلول و اتحادی که خود مفسر آن است با حلول و اتحاد متداول و معمول فرق می نهد» (منظر سلطانی، شریفی، ۱۳۹۰: ۵۴)

وجود آینه است اما نهان است	عدم آینه را آینه دان است
هران صورت که در نقص و کمالست	درین آینه عکسی و خیالیست
چو تو جز عکس یک صورت نبینی	همه با عکس خیزی و نشینی
تو پنداری که هر آورد و هر کار	از ان عکس است کز عکسی خبردار
چو تو در عشق آینه نشینی	نبینی آینه تو روی بینی
جهان و هر چه در هر دو جهان است	چو عکسی است و تو را برعکس ان است
مشو زنهار ای مرد فضولی	از این معنی که من گفتم حلولی
حلول و اتحاد این جا حرام است	ولیکن کار استغراق عام است

(عطار، ۱۳۶۱: ۹۶)

عطار ماده ی اصلی اندیشه های عرفانی خود را از قرآن کریم و تفاسیر قرآنی اخذ کرده است به اعتقاد شفیع کدکنی، عطار «شاعر سفرهای روحانی» است. کدکنی می گوید: عطار در مصیبت نامه تحت تاثیر معراج در فرهنگ اسلامی قرار گرفته است.

آثار کشف الاسرار، سلامان و ابسال و رساله الطیر از جمله آثاری هستند که عطار نیشابوری در سرودن آثار خود مخصوصا در مصیبت نامه به آنها توجه داشته است. «در سه کتاب الهی نامه و منطق الطیر و مصیبت نامه عطار، رد پای سه رساله ی فلسفی - عرفانی حی بن یقظان و رساله الطیر و سلامان و ابسال وجود دارد و موضوع و محتوای مصیبت نامه با رساله ی سلامان مطابقت دارد.

داستان پردازای عطار در مصیبت نامه آن است که این منظومه از کیفیت رمزی بودن و استعداد تأویل پذیری تهی است و عطار در آن به ساختار منطق داستان توجهی نشان نداده است.» (پورنامداریان ، ۱۳۷۵ : ۱۶۳ - ۲۹۰).

اصطلاح وحدت وجود یکی دیگر از مباحث عرفان نظری نیشابوری است بیت های زیر از عطار در بیان اهمیت این موضوع است:

پس هوا بر چیست؟ بر هیچ است و بس هیچ هیچ است این همه هیچ است بس
فکر کن در صنعت آن پادشاه کاین همه بر هیچ می دارد نگاه
چون همه بر هیچ باشد از یکی این همه پس هیچ باشد بی شکی

(عطار نیشابوری ، ۱۳۸۳ : ۲۳۵)

«نکته ی ضرور در خصوص این ابیات که در تعلیقات شفیع کدکنی به آن اشاره ای نرفته ، آن است که این ابیات بازگو کننده ی نظریه ی وحدت وجودند و عطار نیشابوری پیش از ابن عربی در این ابیات به هستی و وجود مطلق باری تعالی و عدم محض وجودات و ممکنات تصریح کرده است.» (سلطانی ، شریفی ، ۱۳۹۰ : ۵۵).

وجود تناقض و پارادوکس های گوناگون در آثار عارفان مخصوصا در شعر عطار یکی از موضوعاتی است که به ایجاد آرایه ها ادبی در سطح زبان منجر می شود. این تناقضات زبانی ، باعث ایجاد زیبایی های ادبی من جمله پارادوکس ، حس آمیزی و ... می شود.

«زبانی که عارف خود را ناچار از به کار گرفتن آن می بیند در بهترین حالتش تعبیری حقیقی از تجربه ی او به دست می دهد و در عین حال متناقض است. ریشه ی احساس گرفتاری زبانی او همین «گرفتار» است. زیرا مانند سایر مردم در احوال غیر عرفانی اش «منطقی اندیش» است و موجودی نیست که فقط در عالم شطح آمیز وحدت سر کند. بیش تر زندگی اش را در جهان زمانی - مکانی می گذراند. آن گاه که از عالم وحدت باز می گردد می خواهد آن چه از حال خویش به یاد دارد به مدد کلمات با دیگران در میان بگذارد. کلمات به زبانش می آید اما از این که می بیند دارد تناقض می گوید حیران و سرگشته می شود و برای خودش این امر را چنین توجیه می کند : لابد اشکالی در خود زبان هست. بنابراین معتقد می شود تجربه اش بیان ناپذیر است اما در واقع اشتباه می کند. شطحیاتی که می گوید به درستی تجربه اش را شرح می دهد. زبانش فقط به این سبب متناقض ناماست که تجربه اش متناقض ناماست. یعنی زبان تجربه را درست منعکس می کند.» (استیس ، ۱۳۸۸ : ۳۱۸-۳۱۷).

اندیشه ی مشهور عرفانی (موتوا قبل ان تموتوا) یکی دیگر از اندیشه های عرفانی عطار نیشابوری است که در جای جای آثارش به چشم می خورد. حکایت طوطی و بازرگان در اسرار نامه ی عطار

بیان کننده ی این مطلب است که اگر می خواهی به جایگاهی که پیامبران و روحانیون رسیده اند برسی ، از خویشتن خویش دوری کن.

گر این جا از وجود خود بمیری هم اینجا حلقه ی ان در بگیری

(اسرارنامه ، مقاله ۱۱ : ۸۹)

در حکایت طوطی و بازرگان عطار نیشابوری بعد از خبر رسانی حکیم ، همه ی طوطیان خودشان را به زمینی می اندازند. این امر نشان از تاثیر گذاری بیشتر درباب رها سازی طوطی در قفس است. در این حکایت که حکیم از هند به چین می رود و پس از برگشت به هند دوباره به چین می رود نشان دهنده این است که چین رمز این دنیا و هند نماد بهشت است و طوطی نماد انسانی است که از بهشت رانده شده است.

یکی دیگر از طولانی ترین و مفصل ترین داستان های عرفانی در منطق الطیر عطار نیشابوری داستان شیخ صنعان است که با این بیت شروع می شود:

شیخ صنعان پیر عهد خویش بود در کمالش هرچه گویم بیش بود

(منطق الطیر ، ۱۳۸۰ : ۱۱۸۵)

«داستان شیخ صنعان لطف و سوزی خاص دارد که این شیخ به قول عطار پیر وقت خویش بوده و مریدان بسیار داشته است. از قضای بد عاشق دختر ترسایی می شود و به تبع او زنار می بندد ولی سرانجام ، عاقبت به خیر می شود. این داستان ، یک داستان رمزی است و سرگذشت روح پاکی است که از دنیای جان به عالم ماده می آید ، و در آنجا گرفتار دام تعلقات می گردد و به همه چیز آلوده می شود و اصل خود را فراموش می کند. اما سرانجام جذبه ی غیبی او را در می یابد و او را به مقر علوی و دنیای پاکی می برد و نجات می دهد.» (زرین کوب ، ۱۳۶۲ : ۱۷۵).

از دیگر مباحث جدی و محوری در آثار عطار یکی از مراتب عرفانی یعنی توبه است که مخصوصاً در کتاب تذکره الاولیای او به چشم می خورد. عطار نیشابوری به تائب بودن مشایخ و دخول در سلوک پس از توبه ای ناگهانی اصرار دارد. «نگاهی گذرا به تذکره الاولیاء، سخنان عطار در مورد توبه را به اثبات می رساند. آغاز زندگانی اکثر مشایخ با سبب و دلیل توبه کردن آنها شروع می شود، در این میان فقط امام جعفر صادق و بعضی از مشایخ استثنا شده اند ؛ اما توبه ها از این قرارند : توبه ی حسن بصری (ص ۳۱) ؛ مالک دینار (ص ۴۹) ؛ توبه ی عتبه بن غلام (ص ۶۹) ؛ توبه ی فضیل عیاض (ص ۹۰) ؛ توبه ی بشر حافی (ص ۱۲۸) ؛ توبه ی عبدالله بن مبارک (ص ۲۱۱) ؛ ابوعلی شقیق (ص ۲۳۲) ؛ ابوحفص حداد (ص ۳۹۰) ؛ منصور بن عمار (ص ۴۰۵) ؛ اکثر توبه ها به خاطر عشقی است که این افراد در آغاز سلوک به زن یا کنیزک داشته اند.» (سلطانی ، شریفی ، ۱۳۹۰ : ۶۰-۵۹).

مبحث مهم دیگری که رویکرد عطار نیشابوری در سه اثر مهم او یعنی الهی نامه ، مصیبت نامه و منطق الطیر است بحث تشبیه و تنزیه ذات و صفات خداوند است. تشبیه در لغت دلالت بر مشارکت امری با دیگری در معنی است (تعریفات ، ص ۵۲) و در اصطلاح اهل کلام ، این است که برای خداوند صفات بشری قائل شویم. غالباً مشخصه را به دو گروه تقسیم کرده اند: عده ای ذات خداوند را به ذاتی غیر از او وعده ای صفات او را به صفاتی جز او مانند می کنند (ر . ک : تعریفات ، ص ۱۶۵).

عطار نیشابوری همواره در آثار خود به عجز از شناخت خداوند اعتراف می کند او همواره می گوید اگر نشانی از خداوند در کلام انسان ها باشد در حد وهم و خیال آنهاست. او در مصیبت نامه می گوید:

چند گویم کانچه گویم ان نه ای چند جویم کان چه جویم ان نه ای
چون نمی دانم چه گویم من ز تو چون نمی یابم چو جویم من ز تو
(مصیبت نامه ، ۱۳۵۶ : ۱۴۸-۱۴۷)

عطار در الهی نامه می گوید که شناخت خداوند امکان پذیر نیست:

صفاتش ذات و ذاتش چون صفاتست چو نیکو بنگری خود جمله ذاتست
(الهی نامه ، ۱۳۸۷ : ۱۱۱)

عطار در منطق الطیر خود را از افتادن در دام تشبیه بر حذر می دارد او در داستان سیمرغ می گوید:

حضرتی دیدند بی وصف و صفت برتر از ادراک عقل و معرفت
برق استغنا همی افروختی صد جهان در یک زمان می سوختی
(منطق الطیر ، ۱۳۸۳ : ۲۴۳)

آنچه هویدا است این است که عطار در بحث تشبیه و تنزیه روش خاص خود را دارد. شیوه ی بررسی او از این موضوع همان بحث متکلمان نیست او همواره چنان که در بالا ذکر شد به مناسبت موضوع خود در آثارش بحث و تنزیه را پیش می کشد. با توجه به اینکه عطار صراحت دارد که فقط خداوند را از دیده ی دل می توان دید و با توجه به اینکه او اعتقاد دارد که جلوه گری های خداوند در اشیا و موجودات کاملاً آشکار است. پس نظر او درباره تشبیه و تنزیه بیشتر به معتزله و شیعه نزدیک است.

یکی دیگر از بحث های عرفانی که در آثار عطار مخصوصاً در منطق الطیر ، مصیبت نامه و الهی نامه دیده می شود بحث وحدت وجود است. متفکران بر این اعتقاد هستند که اندیشه ی وحدت

وجود از ایران به دیگر جاها سرایت کرده است. معمولا ابن عربی و مولانا را از بزرگان این اندیشه می دانند. در تعریف وحدت وجود برآند که وجود اشیاء عبارت از تجلی حق به صورت اشیاء و وجود واحد حقیقی باشد. اولین بار این اندیشه توسط ابن عربی مطرح شده است. مهمترین بحث هایی که در آثار عطار مطرح شده است بحث خدا، انسان و جهان است. عطار نیشابوری خود از پیروان وحدت وجود بوده است. یکی از مهمترین بحث هایی که در مورد وحدت وجود در آثار عطار به چشم می خورد داستان سی مرغ برای دیدار با سیمرغ در کوه قاف می باشد.

« این مثنوی (منطق الطیر) سیر در مقامات و احوال سالک را تصویر می کند و مراتب و مدارج این سلوک را در رمز جست و جوی مرغان بیان می کند» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۸۹)

هدهد که پرندۀ دانایی بود و افسری بر سر داشت گفت: ای یاران، من بیشتر از همه ی شما جهان را گشته ام و از اطراف و اکناف گیتی آگاهم. ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریار می شناسم. نامش سیمرغ است و در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، بر درختی بلند آشیان دارد.

جمله مرغان شدند ان جایگاه بی قرار از عزت ان پادشاه
شوق او در جان ایشان کار کرد هر یکی بی صبری بسیار کرد
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۲۶۵)

اما هنگامی که هدهد از خطرات راه اندکی سخن به میان آورد، برخی از مرغان از همراهی باز ایستادند و زبان به پوزش گشودند و هر کدام عذری آوردند:

طاقت سیمرغ ندارد بلبلی بلبلی را بس بود عشق گلی
من نیارم بر بر سیمرغ تاب پس بود از چشمه خضرم یک اب
من نیم در عشق او مردانه ای عشق گنجم باید و ویرانه ای
کی رسیم آخر به سیمرغ رفیع گر رسد از ما بسی باشد بدیع
(عطار نیشابوری، ۱۳۷۸: ۱۰۷۳-۷۶۸)

اما هدهد دانا یک یک آنان را پاسخ گفت و عذرشان را رد کرد و چنان از شکوه و خود و زیبایی سیمرغ سخن راند که مرغان جملگی شیدا و دل باخته گشتند؛ بهانه ها فراسو نهادند و خود را آماده ساختند تا در طلب سیمرغ به کوه قاف سفر کنند.

هدهد رهبر چنین گفت آن زمان کان که عاشق شد نیندیشد زجان

چند ترسی دست از طفلی بدار باز چو شیر مردان پیش کار

(عطار نیشابوری، ۱۳۷۸: ۱۱۹۰-۱۱۸۰)

هدهد در این داستان محرک مرغان و راهنمای سالکان به سوی حقیقت واحد است. در این داستان سیمرغ رمزی از حقیقت مطلق است که برای رسیدن به آن باید از هفت وادی عبور کرد. «وقتی که سالک در هر وادی چیزی از وجود خود دور می کند، آن وقت او و همه ی آنهایی که با اویند صاف شده و به حقیقت یا جوهر سیمرغ دست می یابند.» (اشرف زاده، ۱۳۷۳: ۱۷۳)

در هفت وادی توصیف شده ی عطار بلاها بسیار است؛ بیابان های آتش زا و دریا های طوفان زا در پیش است. گرسنگی باید کشید؛ خون دل باید خورد؛ رنج ها باید تحمل کرد؛ بسا که در این وادی ها گم شوند و نشانی از آنان به دست نیاید. این وادی ها هر کدام بیان کننده ی راه های سیر و سلوک است که انسان ها برای رسیدن به هدف اصلی خود باید آنها را پشت سر بگذارند. سرانجام از صد هزاران مرغ، تنها سی تن بی بال و پر، رنجور و سست، دل شکسته و ناتندرست به کوه قاف رسیدند. این بدان معنی است که تمام عناصر دنیا در یک مسیر حرکت می کنند و سرانجام در یک نقطه ی حقیقی به هم می رسند و آن وحدانیت و یگانگی خداوند است.

هم زعکس روی سیمرغ جهان چهره سیمرغ دیدند آن زمان

چون نگه کردند آن سیمرغ زود بی شک این سی مرغ آن سیمرغ بود

در تحیر جمله سرگردان شدند می ندانستند این، تا آن شدند

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۲۶۵)

موضوع وحدت وجود در منظومه ی دیگر عطار یعنی الهی نامه هم وجود دارد در این منظومه باز هم عطار غرق در وحدانیت و یگانگی خداوند است:

همه جانا تویی، چه نیست و چه هست ندیدم جز تو در کونین پیوست

تو می خواهی ز تو ای جان، حقیقت که در خویشتن کنی پنهان حقیقت

تو می خواهی ز تو اینجا حقیقت که بنمایی بود پیدا حقیقت

(عطار نیشابوری، ۱۳۶۸: ۱۰-۷)

بحث وحدت وجود در منظومه ی مصیبت نامه هم وجود دارد. «این اثر عطار در شرح درد و اندوه بی سرانجام سالک فطرت است که حقیقت را می جوید عطار در این کتاب در پی آنست که در دو

راهی شریعت و طریقت، چگونه می توان به دنبال حقیقت بود؛ هر چند پاسخ او به این سوال، هرگز به آرامش خاطر نمی انجامد.» (زرین کوب ۱۳۷۸: ۸۶)

عطار نیشابوری همانند سایر عارفان با شیوه ای رمزی و نمادین موضوع وحدت وجود را به بهترین نحو به تصویر کشیده است و با این شیوه تصویری منطقی از جهان هستی ارائه می دهد. او در تمام مراحل برداشت های خود تنها به یگانگی واجب الوجود می رسد. عطار بر خلاف فلاسفه که کوشیده اند وجود خدا را با دلایل عقلی اثبات کنند اعتقاد دارد شناخت حقیقت برای انسان میسر نیست. تنها از طریق اوصاف خداوند به ذات حقیقی او می توان دسترسی پیدا کرد.

نتیجه گیری

مثنوی های (منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرارنامه) در ساختاری منسجم دیدگاه ها و تجارب عرفانی عطار نیشابوری را به وضوح نمایان می سازند. عطار در این چهار اثر با طرح مسائل عرفانی وحدت وجود، توبه، تشبیه و تنزیه، تناقض ها در گفتار، داستان شیخ صنعان و موتوا قبل ان تموتوا، هم حرکت صعودی و تدریجی مراحل سلوک را بیان کرده و هم رشته و پیوند این مراحل را بازگو کرده است. عطار خط سیر این اندیشه ها را در عرفان و ادب فارسی که مبانی آن پیش تر توسط سنایی پی ریزی شده بود، بر مبنای سفرهای روحانی در عالم جان تبیین می کند. عطار در بیان خود قصد طرح مسائل کلامی به شیوه ی متکلمان را ندارد او با بیان ساده و شیوای خود با سادگی کلام به طرح این مباحث پرداخته است. او در بحث حلول و اتحاد معتقد است که سالک باید در ذات احدیت مستغرق شود. موضوع هایی که در داستان های عطار مطرح است همه تعلیمی، حکمی و عرفانی است و انسان را به ترک آلائش های جسمانی فرا می خواند. تفکر اصلی در آثار عطار جست و جوی خدا و اصل عالم و یافتن آن پس از طی موانع، در وجود خود انسان است؛ اما این اصل و حقیقت همان نور ازلی خداوند و نور محمدی است.

منظومه های منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرارنامه تقریباً ساختار همسانی دارند، چنانکه در این منظومه ها برای تعلیم معانی و دقایق عرفانی، چندین حکایت آورده است که این حکایت ها برای تقویت و اثبات هدف مورد نظر نویسنده کاربرد خوبی دارند.

منابع و مأخذ:

- (۱) قرآن کریم
- (۲) اشرف زاده ، رضا . ۱۳۷۳ . شرح گزیده منطق الطیر، تهران : اساطیر
- (۳) استیس ، والتر . ۱۳۸۸ . عرفان و فلسفه ، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی ، تهران : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ، سروش
- (۴) پورنامداریان ، تقی . ۱۳۷۵ . دیدار با سیمرخ ، چ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- (۵) ----- . ۱۳۸۷ . در سایه ی آفتاب . شعر فارسی و ساخت شکنی در شعر مولوی ، تهران : سخن
- (۶) حسینی کازرونی ، سید احمد . ۱۳۸۶ . تصوف و عرفان ، چ اول ، تهران: انتشارات ارمان ، تهران
- (۷) دهلوی ، حسن . ۱۳۷۷ . فوائد الفواد ، تصحیح محمد لطیف ملک ، به اهتمام محسن کیانی ، تهران : روزنه
- (۸) دهخدا ، لغت نامه . ۱۳۶۵ . موسسه لغت نامه ، تهران: دانشگاه تهران
- (۹) زرین کوب ، عبدالحسین . ۱۳۷۸ . صدای بال سیمرخ ، در مورد زندگی و اندیشه عطار ، تهران : سخن
- (۱۰) شمیسا ، سیروس . ۱۳۷۳ . انواع ادبی ، جلد دوم ، تهران فردوس
- (۱۱) شفیعی کدکنی ، محمدرضا . ۱۳۸۸ . مقدمه و تصحیح و تعلیقات ، تهران ، انتشارات : سخن
- (۱۲) صارمی ، سهیلا . ۱۳۷۳ . مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در آثار عطار ، تهران : پژوهشگاه علوم انسانی
- (۱۳) گوهرین ، سید صادق . ۱۳۸۰ . منطق الطیر ، چاپ هفدهم ، تهران : انتشارات علمی و فرهنگی
- (۱۴) فروزانفر ، بدیع الزمان . ۱۳۸۹ . شرح احوال و نقد و تحلیل آثار عطار نیشابوری ، تهران : زوار

- (۱۵) ----- . ۱۳۵۳ . شرح احوال و نقد و تحلیل آثار عطار نیشابوری ، تهران ، انتشارات : دهخدا
- (۱۶) عطار نیشابوری فریدالدین . ۱۳۵۶ . مصیبت نامه ، به اهتمام نورانی وصال ، چاپ دوم ، تهران : زوار
- (۱۷) مایر، فریتس ، ۱۳۸۰ . اسماعیلیه و عرفان در قرون ششم و هفتم ، شماره دوم ، دوره هجدهم ، تهران ، مرکز نشر دانشگاهی
- (۱۸) معین ، محمد . ۱۳۸۴ . فرهنگ فارسی یک جلدی ، به اهتمام عزیز الله علیزاده ، چاپ اول ، ناشر : میکائیل
- (۱۹) اکبر آبادی ، محسن . ۱۳۹۴ . تحلیل کیفیت عرفانی در منظومه های عطار ، شماره اول ، سال ششم ، پژوهشگاه علوم انسانی
- (۲۰) نزهت ، بهمن . ۱۳۹۱ . سال چهارم ، شماره هفت ، فصلنامه علمی و پژوهشی عرفانی ، دانشگاه الزهرا (س)
- (۲۱) حیدری حسین ، برزکی بتول . ۱۳۹۳ . الاهیات تنزیهی در عاشقانه های عطار ، شماره ۲۰ ، پاییز و زمستان ۹۳ ، دانشگاه کاشان
- (۲۲) منظر سلطانی ، فاطمه شریفی . ۱۳۹۰ . عرفانیات در ادب فارسی ، بررسی و تبیین اندیشه های عرفانی عطار

A study on Mystical Thoughts of Attar Neyshaburi

Jafar Havasi

Phd Student, Persian Language and Literature, Dezful Branch, Islamic Azad University,
Dezful, Iran. netsara.g@gmail.com

Seyyed Ahmad Hosseini Kazerooni

Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic
Azad University, Bushehr, Iran, *Corresponding Author. sahkazerooni@yahoo.com

Farzaneh Yousef Ghanbari

Assistant professor, Department of Persian Language and Literature, Dezful Branch,
Islamic Azad University, Dezful, Iran. Ghanbari.1977@yahoo.com

Abstract

Sheikh Farid Al-Din Attar Neishaburi (618-540 AH) is the creator of some mystical masnavis such as Mantiq Al-Tayr, Mosibat Nameh, Elahi Nameh and Asrar Nameh. These works contain his mystical thoughts in a mysterious language. This article focuses on the mystical thoughts of Attar and aims at explaining the views and opinions of Attar Neishabouri on various mystical issues. The existence of contradictions and paradoxes, the famous mystical thought of "Die before death", the mystical story of Sheikh San'an, the discussion of repentance, the likeness of the divine essence, the unity of the existence of all the mystical mysteries which are mentioned in the works of Attar, especially in the mentioned works. Attempts have been made to present a comprehensive discussion in the descriptive and analytical way of these mystical thoughts and topics, providing examples and poetic evidences and explaining them.

Keywords:

Attar, Mystical Thought, Unity of Being, Repentance, Relaxation,
.paradox

